

گفت‌وگوی صبا با سه تن از کارگردانان بسته فیلم کوتاه اتاق فرار

## انسان و گریزی طاقت



مریم عظیمی  
گفت و گو

گروه هنر و تجربه در سال جدید هم به روند اکران فیلم‌های کوتاه در بسته‌هایی که این بار «اتاق فرار» نامیده شده ادامه می‌دهد که نشان از استقبال علاقه‌مندان به این شاخه از سینماست. خبرنگار صبا با سه کارگردان از پنج کارگردان این مجموعه گپ و گفتی داشته که در ادامه می‌خوانید.

**روناک جعفری؛ کارگردان فیلم کوتاه مورس:**  
**مستند هیچگاه از من جدا نمی‌شود**

**از شکل‌گیری ایده فیلم و تاثیر خاطرات تان در این روند بگویید.**

این اثر به حافظه عاطفی من در دوره کودکی و نوجوانی بازمی‌گردد، همینطور به قصه‌ها و خاطراتی که از یک سری افراد می‌شنیدم. بعدها که تصمیم گرفتم فیلم ساز شوم این خاطرات و قصه‌ها برای من به تصاویر تبدیل شدند و آن تصاویر در نهایت تبدیل به آن چیزی شدند که من می‌توانستم آن را در سینما به تصویر بکشم. در واقع ایده‌ها، سال‌ها در ذهن من بودند و مرا قلقلک می‌دادند و درگیر می‌کردند و زمانی که تصمیم می‌گیرم فیلمنامه بنویسم انتخاب می‌کنم که چقدر از این متریالی که در ذهنم دارم استفاده کنم.

**یک بخش مستند گونه در فیلم شما وجود دارد که این شبیه را در مخاطب تقویت می‌کند که آیا در حال تماشای یک اثر واقع‌گرایانه از یک زندگی واقعی است یا بالعکس تخیل نویسنده در آن دخیل است.**

من چندین بار به این مسئله در مخاطبانم برخورد کرده‌ام و این سوال برایشان پیش آمده و بازیگر را شخصیت اصلی انگاشته‌اند. در اینجا می‌خواهم به چند نکته اشاره کنم. من در هیچ جای فیلم اشاره مستقیمی به این مسئله نکرده‌ام که فیلم در مورد خسرو گل سرخی است شاید المان‌هایی وجود دارد که این ذهنیت را ایجاد می‌کند اما در واقع اسم خسرو برای من نماینده قشری است که می‌خواستیم راجع به آنها فیلم بسازم و طبیعتاً در فیلم داستانی آن قسمت‌ها برای من ماکیومنتری، یعنی به صورت مستند نمایی است و علتش این است که من سال‌ها مستندساز بودم و مستند هیچ وقت از من جدا نمی‌شود و من نیز مستند را رها نمی‌کنم. در نتیجه همیشه رگه‌هایی از مستند نمایی و ماکیومنتری در فیلم‌های کوتاه من دیده می‌شود. نقش عاطفه گرگین همسر خسرو گل سرخی را بازیگری که در واقع مادر بزرگ یکی از دوستان من به نام پروین خانم بودند که چندین جلسه ما با ایشان تمرین کردیم و با توجه به اینکه سنشان هم بالا بود لطف کردند و پذیرفتند که در این اثر در کنار ما باشند و تمام دیالوگ‌ها رو نیز حفظ کردند.

**بدین ترتیب مخاطب دچار یک ابرونی می‌شود که تعمداً توسط شما شکل گرفته، درست است؟**

البته مقصود هر فیلمساز این است که فیلمش باورپذیر به نظر برسد به خصوص اینکه اتمسفر سازی برای من بسیار مهم است در نتیجه باعث می‌شود که بیشتر روی این قضیه مانور بدهم که مخاطب کاراکترها را عمیقاً باور کند و بپذیرد که همچنین چیزی دارد اتفاق می‌افتد و این از نظر من یک امتیاز مثبت است که مخاطبان همچنین فکری کرده باشند و برایشان باورپذیر بوده باشد اما چیزی که وجود دارد این است که همه این‌ها بازسازی است.

**طراحی صحنه فیلم خیلی پرکار و پرهزینه به نظر می‌رسد در این مورد بر ایمان بگویید.**

حقیقتش این است که من فیلم را خیلی ارزان ساختم و آنچه که خوشبختانه یا متأسفانه در نهایت روی پرده سینما آمد این ذهنیت را ایجاد کرد که «مورس» فیلم بسیار گرانی بوده و تحت عنوان فیلم‌های گران از آن یاد می‌شود. فکر می‌کنم که در این مسئله خبره شده و تخصص پیدا کرده‌ام که بتوانم از کمترین چیزهای موجود و آنچه که در اختیار دارم بهترین استفاده را بکنم و فکر می‌کنم هنر من در این مورد به خصوص که کار بیگ‌پروداکشن به نظر می‌رسد این بوده که بتوانم از عوامل و عناصر موجود بهترین استفاده را بکنم. مادر کارخانه قدیمی که لوکیشن اصلی فیلم است یک سری ساخت و ساز و تغییرات انجام دادیم که چندان کار هزینه بری نبود و بیشتر از یک سری آکسسوار برای شکل دادن به فضای مدنظرمان استفاده کردیم. در هنر می‌توان کارهای ارزان بسیار خلاقانه‌ای انجام داد. من فکر می‌کنم یک اتفاق بسیار خوبی که افتاد این بود که من با توجه به تیم حرفه‌ای همینطور ایده‌هایی که از ابتدا داشتیم این کارها را انجام دادیم و با آقای سلامی

می‌توان ساعت‌ها در موردش صحبت کرد چه در فیلم آرمین اعتمادی که کاملاً روانکاوانه است و چه در فیلم صحرا اسداللهی که مسئله کاراکتر مسئله روز بسیاری از خانم‌های بازیگر سینمای ایران است یا در فیلم من که مسئله رفاقت‌ها و خیانت‌هاست همینطور در فیلم گوشت تلخ ساخته فرید حاجی و نفس نکش ساخته میلاد نسیم سبحان.

**میلاد نسیم سبحان کارگردان فیلم نفس نکش**  
**کار با بازیگر خوب تجربه رضایت بخشی است**

**ایده فیلم «نفس نکش» به چه صورت شکل گرفته است؟**

من به این نتیجه رسیدم که مخاطب مادر ایران چه در زمینه فیلم بلند و چه در زمینه فیلم کوتاه نیاز به یک تنوع دارد. زمانی که به فیلم «نفس نکش» نگاه می‌کنید شاید فرمول‌های داستانی‌اش همان فرمول‌های تکراری سینمای جا افتاده دنیا باشد ولی آن ایده تصویری که دارد جدید و بکر است و وقتی مخاطب پای فیلم می‌نشیند تا مدتی به اینکه این ایده چقدر جذاب است فکر می‌کند و به همان بهانه ترغیب می‌شود که فیلم را ببیند. فیدبک‌هایی که من تاکنون از مخاطبانم دریافت کردم در همین راستا بوده است که چقدر این ایده جذاب است و چگونه به فکر رسیده همین مسئله یکی از ملاک‌های من برای انتخاب این ایده بود من خود را به جای مخاطب گذاشتم به این اندیشیدم که چه چیزی برای او تدارک بینم که بنشیند و داستان مرا کامل نگاه کند و در نهایت حرف مرا بپذیرد.

**افکت دود و بخاری که از دهان کاراکتر یکی از کاراکترهای اصلی بیرون می‌آید را چگونه ایجاد کردید آیا در این زمینه چالش خاصی داشتید؟**

تصویر ذهنی که من از این ایده داشتم دقیقاً همان بود که پیاده

نورپرداز فیلم نیز از همان ابتدا صحبت کرده بودیم که نورپردازی فیلم حتماً با شمع انجام شود و ما در اجرا نیاز به یک فضای شام آخری داشتیم که نیاز به آکسسوار، شمع و چیدمان داشت. در نهایت در اینکه همه چیز به خوبی، زیبایی و ژوستی انجام شد مسلماً هنر مسعود سلامی هم هست که باعث شده یک مقداری همه چیز گران به نظر برسد. ما بخش اعظم آکسسوارهایمان را با هزینه بسیار پایین از شهرک سینمایی گرفتیم و بخشی را نیز از جای دیگری اجاره کردیم همینطور هیچ کدام از عوامل فیلمم، همینطور بازیگرانم از من هزینه دریافت نکردند چرا که همه رفقا و دوستانم بودند و فیلم را با هزینه‌ای حدود ۱۵۰ میلیون تومان در سال ۹۹ جمع کردیم.

**نحوه شکل‌گیری بسته اتاق فرار به چه شکل بود.**

من منتظر بودم تا پخش جهانی فیلم «مورس» به پایان برسد و پس از آن تصمیم گرفتم که فیلم را اکران کنم چرا که پیش از آن نیز تجربه اکران هنر تجربه خوبی داشتم. خب من سرگروه این باکس بودم و قرار شد که فیلمسازهای دیگر را خودم دعوت کنم. ما پنج فیلمساز در این باکس دور هم جمع شدیم و در نهایت از آنجایی که بخشی یا حتی تمام این فیلم‌ها در اتاقی روی می‌دهند و کاراکترها یا بازیگر می‌شوند یا در حال فرار از آنند و انگار همه در اتاق واحدی حضور دارند، این تم اصلی که در هر ۵ فیلم وجود داشت ما را به اسم اتاق فرار رساند.

**سخن پایانی**

اکران این باکس ادامه دارد و من از عموم مردم دعوت می‌کنم که به تماشای فیلم‌های این باکس بنشینند. جمله بسیار زیبای یکی از دوستان بازیگرم پس از اینکه فیلم‌ها را دیدند گفتند که اتاق فرار برای من اتاق درمان بود چرا که در هر فیلمی از نظر او یک کاتارسیس برای مخاطب اتفاق می‌افتد و این کاتارسیس و تحول بسیار جذاب است و